



«صاحب‌دلان» فرمول‌های جدیدی را به سریال‌سازی اضافه کرد که از قضا بعد از آن هم کمتر کسی شجاعتش را داشت که دوباره سراغی از آنها بگیرد. صاحب‌دلان، سراغ داستان پیامبران رفته بود و از نوح و یوسف، شمایل مملوس و امروزی می‌ساخت

مروری بر فاکتورهای موفقیت سریال‌های رمضانی قدیمی

فوت کوزه‌گری

تاریخ سریال‌های مناسبتی ماه رمضان نشان می‌دهد بعضی قواعد موفقیت، پایدار و همیشگی هستند و بعضی‌شان هم در یک برهه کشف می‌شوند و ثابت می‌مانند و برخی دیگر هم مختص دوره‌ای هستند و دیگر هرگز تکرار نمی‌شوند. اینجا تلاش می‌کنیم به جای ریختن قیমে‌ها در ماست‌ها، موها را از آنها بیرون بکشیم تا ببینیم هر سریال به کدام فرمول متمسک شده است.

۱ پشت کنکوری‌ها - پریسا بخت‌آور ۱۳۸۱

ابتدای دهه ۸۰، یعنی سال‌هایی که موج متولدین دهه ۶۰ در سنین حوالی کنکور قرار گرفته‌اند، رسانه غالب‌شان تلویزیون است و بیشترین جمعیت کشور را هم تشکیل می‌دهند. همین سه مولفه برای هدف گرفتن موضوع درست برای مخاطب متناسب کافی است. خصوصاً که کارگردانش اهل طرح دغدغه‌های اجتماعی در قالب طنز هم باشد.

۲ خانه به دوش - رضا عطاران ۱۳۸۳

توجه به قشر فقیر و شوخی با مصائب تنگدستی، در اولین تجربه‌های کارگردانی عطاران خودش را نشان داد. طنز، تازه راهش را به ایام ماه مبارک رمضان باز کرده بود و هنوز ترکیب شخصیت‌های چتر باز، پررو و کودن داستان‌های عطاران هم به اندازه حال تکراری نشده بودند و تازگی داشتند. به هر حال همیشه روی خنداندن مخاطب می‌شود حساب باز کرد، اما خنداندن او هر بار سخت‌تر از بار قبل می‌شود.

۳ او یک فرشته بود - علیرضا افخمی ۱۳۸۴

سراغ گونه تخیلی رفتن برای مخاطب ایرانی می‌توانست برگ برنده تضمینی باشد. البته این، اولین سریال در گونه تخیلی نبود. قبلاً «کمکم کن» هم مختصات این گونه را در ایام ماه رمضان در تلویزیون تست زده بود اما «او یک فرشته بود» حتی تا سال‌های بعد هم به شاخص‌ترین تجربه در این حوزه بدل شد. پرداختن به شیطان در ماهی که ذهن جامعه معطوف به مسائل مذهبی است، خوب در عوامل موفقیت می‌نشست هر چند که خط و سوژه سریال هیچ وقت با الهیات مذهبی جمع نشد.

۴ صاحب‌دلان - محمدحسین لطیفی ۱۳۸۵

«صاحب‌دلان» فرمول‌های جدیدی را به سریال‌سازی اضافه کرد که از قضا بعد از آن هم کمتر کسی شجاعتش را داشت که دوباره سراغی از آنها بگیرد. فرمول اصلی موفقیت این سریال، چیزی بیش از یک «اقتباس» روزآمد و قصه‌گو از یک حکایت آشنا و گیرای مذهبی نبود. صاحب‌دلان، سراغ داستان پیامبران رفته بود و از نوح و یوسف، شمایل مملوس و امروزی می‌ساخت. هم تکرار داستان مکرر تاریخ بود و هم تکراری نبود.

۵ میوه ممنوعه - حسن فتحی ۱۳۸۶

فرمول صاحب‌دلان در «میوه ممنوعه» تکرار شد. داستان عرفانی «شیخ صناعان» که ریشه قصه سریال بود، دست اقتباس‌کننده را برای روزآمدسازی بیشتر باز می‌گذاشت. فتحی بارها کارگردانی‌اش را در پرداخت قصه‌های اقتباسی ثابت کرده بود اما میوه ممنوعه اولین استعاره‌های عرفان اسلامی ایرانی در سریال بود که با اقبال مخاطبان مواجه می‌شد؛ هستی و قدسی نام همسر و معشوقه مردی بود که مخاطب او را در جهان ادبیات کلاسیک بومی می‌فهمید و هم در بستر حیات اجتماعی، لمس‌اش می‌کرد.

۶ اغما - سیروس مقدم ۱۳۸۶

از نیمه دوم دهه ۸۰، انگار که دیگر باب خلایقیت در فرمول‌های تازه و تجربه‌ی ژانرهای جدید بسته شده باشد، دیگر کمتر کسی هوس دستپخت ابتکاری به سرش زد؛ غالباً ترجیح می‌دادند همان فرمول‌های قبلی را کمی بهتر به کار ببندند. «اغما» سعی کرد در مدل فیلم‌های تخیلی. مذهبی، بهترین نمونه موجود را ارائه کند و موفق شد. مقدم، مثل همیشه در دریافت سیگنال‌های سلیقه مخاطب، هوشمندانه عمل کرد و همه کلیشه‌های موفق قبلی را در هم رچ زد؛ به کما رفتن و تجسد شیطان و حسرت پس از عمری عبادت به راه خطا رفتن. اغما در تجزیه جدید نبود، اما ترکیب ماهرانه‌ای از پیش‌بینانش ارائه می‌داد.

۷ نردبام آسمان - محمدحسین لطیفی ۱۳۸۸

علی‌رغم اقبال همیشگی مخاطب تلویزیون از ژانر تاریخی، جای این فیلم‌ها همیشه هم در جعبه ماه رمضان تنگ بوده است. «نردبام آسمان» داستان شخصیت‌های نام‌آور دینی یا رجال سیاسی تاریخی نبود و شاید اگر در صف سریال‌های تاریخی قرار می‌گرفت، به عنوان زندگی یک دانشمند نه‌چندان شناخته‌شده هرگز نوبت به تولیدش نمی‌رسید. غیاث‌الدین جمشید کاشانی اما هم چکیده مذهب تشیع بود، هم در دستگاه سیاسی دوران حساس مغولان حرف برای گفتن داشت، هم سرافراخته ایرانیان را در جهان علم به خودشان نشان می‌داد و هم سرآخر شجاعانه در پیشگاه حقیقت، به شهادت می‌رسید. او چکیده آن چیزی بود که هر ایرانی در خلوت تاریخ از خودش می‌فهمید.

۸ دودکش - محمدحسین لطیفی ۱۳۹۲

«دودکش» بخشی از موفقیتش را البته مرهون چند سال تولید طنزهای تکراری و معمولی بود، اما بخشی دیگر هم به فرمول همیشه جواب «خانواده هسته‌ای» + «سختی‌های معیشت طبقه متوسط» در فرهنگ ایرانی برمی‌گشت. اگرچه پرخاشگری و دودره‌بازی از کلیشه‌های شخصیتی طنزهای عطاران به داستان سراسر است و صمیمی دودکش هم راه پیدا کرده بود اما لطیفی، صداقت و پاک‌نهادی شخصیت‌ها را به خصوص در کسب روزی در خط روایت حفظ می‌کرد.

۹ پایتخت ۴ - سیروس مقدم ۱۳۹۴

بحث فرمول‌های «سری پایتخت»، خودش مثنوی هفتاد من است، اما محورش را باید ویژگی دریافت درست و به موقع سیگنال‌های پسند مخاطب دانست. در این مورد جنگل خاوری در شمال کشور. مانور داده‌اند، اگر این مسأله را فاکتور متغیر موفقیت پایتخت‌ها بدانیم، فاکتور ثابت به طور حتم مسیر «خانواده هسته‌ای» در گذر از فراز و نشیب است. این همان اتفاقی است که در برخی سریال‌های مشهور خارجی می‌افتد که یک خاندان در طول ده‌ها سال، داستان فیلم را روایت کرده و جلو برده‌اند.

۱۰ دردسرهای عظیم ۲ - برزو نیک‌نژاد ۱۳۹۴

دردسرهای عظیم نشان می‌دهد مخاطب ایرانی تا چه اندازه از تماشای خانواده و تلاش آدم‌ها برای حفظ آن علی‌رغم فشارها لذت می‌برد. علاوه بر این دو ویژگی بارز دیگر هم دارد: نمایش روابط همسایگی و پرداختن به مسأله ازدواج جوانان. «همسایگی» میلی‌کهنه در مخاطب ایرانی است که اثر را جذاب و نوستالژیک می‌کند چنان که در گذشته با این ایده آثار موفق ساخته شده‌اند؛ دردسرهای عظیم هم این فرمول را الاقل از دو دهه قبل بیرون کشیده تا نشان دهد این محور هنوز نزد مخاطب دلپذیر است.

۱۱ نفس - جلیل سامان ۱۳۹۶

جلیل سامان، ضمن تکمیل سه‌گانه خودش با «نفس» ثابت کرد در تاریخ معاصر، چقدر حرف‌های نگفته و جذاب هست که می‌شود در تولیدات نمایشی به سراغشان رفت. البته علت موفقیت «نفس» فرمول همیشه‌برنده ملودرام‌های عاشقانه است که در بستر یک تلخ روایت می‌شود. همان فرمولی که «کازابلانکا» هم موفقیت‌پایدارش را مرهون آن است. در واقع بستر سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، تجربه‌ای است که عیار عشق را در تلازم با خدا، هدف، وطن و انسانیت محک می‌زند.